

بنیادی نبود. مادر انتخاب اسامی بحث می کردیم و بحث ما جدال احسن بود. تفاهم و همزبانی و همدلی زبان مشترک شورا بود.

#### ■ آیا تعمدی به حضور نماینده کارگران و دانشجویان در شورا بود؟

انقلاب ۲۲ بهمن متعلق به یک قشر خاص و معین و از پیش تعیین شده، نبود مثلاً ما بلوار البزابت را به دلیل وجود وزارت کشاورزی در آن مکان، بلوار کشاورز نامیدیم. این بارگیری در همه جا وجود داشت. از آنجا که کارگران نیز مانند دیگر اقشار در انقلاب حضور داشتند؛ تصمیم گرفتیم از نقطه شمالی تهران تا نقطه جنوبی تهران که امیرآباد شمالی و جنوبی و خیابان ۲۴ اسفند بود را خیابان کارگر بنامیم. بعداً شاهد بودیم چریک ها و توده های ها اعم از اقلیت و اکثریت میتینگ های خود را در تقاطع بلوار کشاورز و خیابان کارگر برگزار می کردند. شورای نام گذاری این نگاه را انداشت ولی گروه سیاسی چپ از چگونگی نام ها بهره گیری سیاسی کرده محل تجمع خود را در آن تقاطع قرار می دادند.

#### ■ در شورا زنان هم نماینده داشتند؟

بله ولی متأسفانه شما ۴۰ سال دیر آمدید و من اسامی از خاطر مر رفته است.

#### ■ شروع کار کمیته نام گذاری با کدام خیابان ها بود؟

سؤال سخت سخت می پرسید. همچنان که قبلاً گفتم خیابان پهلوی به خیابان مصدق تغییر نام یافت. آنهایی که به خاطر دارم و جز اولین نام گذاری ها بود تغییر خیابان شاهرضا به انقلاب بود. این خیابان، مسیر اصلی و مرکزی شهر تهران برای راهپیمایی های قبل از انقلاب بود که از میدان فوزیه که بعداً میدان امام حسین (ع) نامیده شد تا میدان آزادی فعلی که میدان شهید قلی بود. اما اسم میدان فردوسی تغییر نکرد، چون نامی طاغوتی نبود و اسم خیابان دماوند هم تغییر نکرد. هدف تغییر تمام اسامی نبود.

#### ■ داستان نام گذاری خیابان ولیعصر (عج) و شریعتی چه بود؟

نام این دو خیابان را خود مردم انتخاب کرده بودند. مردم خیابان پهلوی را دکتر مصدق نامیدند و بعداً ما میدان ولیعصر را ولیعصر (عج) گذاشتیم و جاده قدیم شیران را به دلیل حسینیة ارشاد که پایگاه دکتر شریعتی بود، به نام دکتر علی شریعتی انتخاب کردند. در راهپیمایی مردم از میدان انقلاب تا میدان امام حسین پلاکارد دکتر علی شریعتی، معلم انقلاب را به دست گرفته بودند. البته اسم خیابان دکتر مصدق در دهه شصت به خیابان ولیعصر تغییر کرد. من آن زمان یعنی مهرماه ۱۳۵۹ از سمت شهرداری استعفا کرده بودم.

#### ■ برای تغییر اسامی خیابان ها معیار ایدئولوژیک بود یا سیاسی؟

همه اینها بود و هیچ کدام اصل نبود. ما نام خیابان کریم خان زند را تغییر ندادیم؛ لیکن وقتی واقعه هفتم تیر اتفاق افتاد میدان ۲۵ شهریور به هفت تیر تغییر کرد. یا زمانی که آیت الله مطهری با دکتر بهشتی شهید شدند یا آیت الله طالقانی فوت کردند نام آنها برای خیابانی انتخاب شد. خیابان تخت طاووس، مطهری خوانده شد و خیابان عباس آباد به موازات شهید مطهری، شهید بهشتی نامیده شد. خیابان تخت جمشید، آیت الله طالقانی نام گذاری شد. مطهری، طالقانی و بهشتی روحانیانی بودند که نقش

عظیمی در انقلاب داشتند. موازی بودن این اسامی حساب شده بود.

#### ■ آیا برای این انتخاب ها اعتراضی هم می شد؟

بله! وقتی اسم دکتر محمد مصدق که در راهپیمایی انقلابیون توسط مردم نام گذاری شده بود از سوی شورای نامگذاری تأیید و انتخاب شد یکی از معترضان آقای فلسفی و اعظم مشهور بود. اسامی آقایان طالقانی، مطهری و بهشتی بعد از درگذشت و شهادت شان برای خیابان های تهران انتخاب شد. شهرهای دیگر نیز از نام گذاری تهران الگو برداری می کردند و ما هم به اهمیت و وظیفه خود آگاهی داشتیم. کوچک ترین اشتباه ما، بزرگ ترین اشتباه بود. البته دیکته نانوشتۀ غلط ندارد؛ در هر صورت الگوی نام گذاری تهران در همه شهرهای ایران استفاده می شد.

#### ■ بیشترین اعتراض ها از طرف آقای فلسفی بود؟

من کس دیگری را به صورت مشخص خاطر ندارم جز اینکه وقتی خیابان نواب را به نواب صفوی تغییر دادیم، جمعیت مؤتلفه اسلامی اعتراض کرد. آنها گفتند که این خیابان قبلاً نواب بود و شما فقط کلمه صفوی را به آن اضافه کرده اید؛ آنها می گفتند باید محل بهتر و مهمتری را برای نواب صفوی انتخاب می کردید. خیابان مجاهدین همان خیابان ژاله قبلی است، برخی فکر می کردند این انتخاب به دلیل مجاهدین خلق مارکسیست (منافقین) نام گذاری شده است در حالی که مجاهد و مجاهدین برگرفته از آیه قرآنی است. خداوند است که می فرماید: فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا. ما به این دلیل این خیابان را مجاهدین نامیدیم که از خیابان پیروزی و میدان شهدای ۱۷ شهریور شروع و به مجلس خبرگان می رسید.

#### ■ موضوع اعتراض که اشاره کردید چه بود؟

برخی می گفتند تغییر نام میدان سپه برای اختلاف انداختن بین امام خمینی و سپاه بوده است. من در روزنامه میزان به این مسأله پاسخ دادم و توصیه می کنم آن را بخوانید. من آنجا به تفصیل توضیح داده ام که نام خیابان سپه در قبل از انقلاب به خاطر سردار سپه و رضاشاه بوده نه ارتش و سپاه.

#### ■ آقای منصوریان بخشی از مردم که شما می گوید از طرف آنها تغییر اسامی خیابان ها اتفاق می افتاد، هنوز اسامی قدیمی خیابان ها را به خاطر دارند و به کار می برند.

ما نه باید مرعوب می شدیم و نه باید مجذوب می شدیم. حداقل برداشت من این است. مثلاً ما خیابان چرچیل را به نوفل لوشاتو تغییر دادیم؛ این به دلیل حضور حضرت امام خمینی (ره) در فرانسه بود و سفارت فرانسه هم در امتداد این خیابان در تهران واقع شده بود. نیروهای چپ که با امام خمینی (ره) مشکل داشتند از انتخاب نوفل لوشاتو ناراحت بودند. یا اینکه خیابان کاخ را که سفارت اسرائیل در آن قرار داشت به خیابان فلسطین و میدان کاخ را به میدان فلسطین تغییر نام دادیم که خوشایند برخی نبود و گرنه شورای نام گذاری آگاهانه این کار را انجام داده است.

#### ■ منظور من سلطنت طلبان و مخالفان نبود. منظور مردم عادی بود.

ما آن زمان خود را زبان مردم کوچه و بازار می دانستیم و از مردم تأثیر هم می گرفتیم. مردم

اسم خیابان پهلوی را مصدق گذاشتند؛ اما آیا مردم خیابانی هم به اسم آیت الله کاشانی گذاشته بودند؟ خیر. ولی ما به اسم ایشان خیابانی انتخاب کردیم. این را هم بگویم که شهرداری هیچ ربطی به دولت موقت نداشت و تاجایی که من به خاطر دارم و اطلاع دارم مهندس محمد توسلی با تأیید و اشاره خود امام خمینی به شهرداری تهران توصیه شدند.

ما آن زمان خیابان آتاتورک را خیابان کاشانی نامیدیم. ما فکر می کردیم ایشان در نهضت مقاومت ملی کشور نقش داشتند. ماسعی می کردیم ارزش گذاری نکنیم. دکتر مصدق با آقای کاشانی کار می کردند و ۳۰ تیر و ۲۸ مرداد و جریان های قبلی را نمی شود از صفحه تاریخ پاک کرد.

مرحوم کاشانی یک واقعیت تاریخی است که از جامعه روحانیت و از بین روحانیون مملکت در فضای سیاسی کشور نقش آفرینی کرده است. ما به جریان ۲۸ مرداد کاری نداریم که او در جریان کودتا چه نقشی داشته است. تاریخ را باید بی حب و بغض خواند و مردم این را درک می کردند. همان طور که کسی دکتر فاطمی را در تاریخ فراموش نمی کند؛ کسی که باتن تب دار به دست عوامل ساواک اعدام می شود. انتهای خیابان فاطمی به خیابان مصدق می رسید و این نگاه ما بود.

#### ■ شما چرا در مهر ۱۳۵۹ استعفا کردید؟

روز ۱۷ شهریور من یکی از نفرات اول در میدان شهدا بودم. ماسه نفر بودیم که دست های خود را به سمت آسمان بلند کرده بودیم و به سمت گروهبانی که پشت مسلسل نشسته بود می گفتم که اگر مسلمان هستی، زن و اگر مسلمان نیستی بزن. او با اشک گفت که ما حکم تیر داریم و با گریه گفت که بروید. چند لحظه ای نگذشت که از سمت خیابان ۱۷ شهریور منتهی به امام حسین (ع) اولین رگبار بلند شد. چند لحظه بعد فرد کناری من تیر خورد. من آن روز شمردم که در آن خیابان ۲۴ نفر شهید شده بودند.

با تغییر مسیر برخی ارزش هایی که من در میدان شهدا سینه خود را سپر گلوله ارتش شاهنشاهی کرده بودم، از شهرداری کنار رفتم. مهندس توسلی هم همان زمان استعفا کرد. من در اتاق مهندس توسلی بودم و شهردار تهران با خط سیاسی با شهید رجایی صحبت می کرد که گفتند حالا که استعفا می کنی، آقای منصوریان سمت شهرداری را قبول کند که من گفتم نمی توانم، معذور بدارید. لیکن هنگامی که ایشان در واقعه هشتم شهریور به شهادت رسیدند نام شهید رجایی را روی یکی از بزرگراه های اصلی در جنوب تهران قرار دادیم.

#### ■ در ۲۲ ماه حضور شما پروژه نام گذاری خیابان ها به پایان رسید؟

خیر! ادامه داشت. بعد از ما نام خالد اسلامبولی بر یکی از خیابان های منتهی به میدان آرژانتین فعلی انتخاب شد ولی ما نام بابی ساندرز را انتخاب کرده بودیم. او در سال ۱۹۵۴ میلادی در شهر بلغاست مرکز ایرلند شمالی در یک خانواده کاتولیک ایرلندی به دنیا آمد. او در ۱۶ سالگی به کار مکانیکی مشغول و عضو اتحادیه کارگری ایرلند شد.

در سال ۱۹۷۲ که ۱۳ کاتولیک در تظاهرات به دست سربازان انگلیسی کشته شدند در سن ۱۸ سالگی به ارتش آزادیخواه ایرلند پیوست. او همواره خواستار خروج ارتش بریتانیا از ایرلند شمالی بود.